

رؤیای ما؛ کابوس آن‌ها

هنگ کنگ با جمعیتی بیش از ۷ میلیون نفر، یکی از پر تراکم ترین مناطق جهان از نظر جمعیت است. در هر یک کیلومتر مربع از این منطقه، ۲۵۹۰۰ نفر زندگی می‌کنند.

در هنگ کنگ، افراد کم‌درآمد هر روز تلاش می‌کنند تا سرشان را بالای آب ننگه دارند. در مناطقی که طبقه های کم در آمد ساکن اند، مآکان، در کمال بی اخلاقی، بابت اجاره ی یک «قفس» ماهانه ۲۰۰ دلار می‌گیرند؛ قفس هایی که در هر اتاق ۲۰ عدد از آن‌ها را کنار هم چیده اند. عده ی دیگری از اهالی این مناطق هم در اتاق‌های کوچک چوبی زندگی می‌کنند.

نظام اقتصادی حاکم بر هنگ کنگ، اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد است. هنگ کنگ، سال‌هاست که نام آزادترین اقتصاد جهان را با خود یدک می‌کشد و با رشد اقتصادی بالا، همواره الگو و نمونه ای مورد ستایش از یک اقتصاد سرمایه سالار بوده است.^۱ اما به نظر می‌رسد که رشد اقتصادی سوپه های پنهان و دردناکی نیز دارد و با خود بی‌عدالتی اجتماعی به همراه می‌آورد. این مردمان از مزایای رشد و موفقیت اقتصادی کشورشان محروم نگه داشته شده اند؛ گویی به خاطر جرمی ناکرده به فراموشی توسط دیگران محکوم شده اند. در میان این رنج کشیدگان، سالخوردگان تنها، خیابان خواب‌ها، آدم‌های ورشکسته، و مادران مهاجر دیده می‌شوند.



بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم در هنگ کنگ در انتظار دریافت مسکن از جانب دولت هستند. میانگین زمان انتظار برای دریافت مسکن ۳ سال است.



مالکان این اتاق‌ها بابت هر قفس ماهانه ۲۰۰ دلار می‌گیرند!



بعضی از ساکنان ۲۵ سال است که در این قفس ها زندگی می‌کنند. قفس‌های طبقات بالاتر اجاره ی ارزان تری دارند، زیرا دسترسی به آن‌ها سخت‌تر است.

1) www.heritage.org/research/reports/2012/01/hong-kong-remains-world-leader-in-economic-freedom-2012-index-shows



قفس ها در خانه های معمولی جاسازی شده اند. حدود صد هزار نفر از مردم هنگ کنگ در این قفس ها زندگی می کنند.



هر یک از ساکنان قفس ها به دلیلی به اینجا رسیده است. این مرد تصادف سختی داشته و بعدها دچار اعتیاد شده است.



این پیرمرد ۳۰ سال است که در همین قفس زندگی می کند.



منظره ی پنجره ی یک اتاق قفسی در محله ی شام-شوئی-پو^۲ در منطقه ی کولون^۳.



آقای Lam در یک آپارتمان-آلونکِ کوچک چوبی زندگی می کند. او رفتگر شهرداری است.



معمولاً در هر اتاق ۲۰ نفر ساکن اند. آن‌ها از حمام و توالت مشترکی استفاده می کنند که در بدترین وضعیت قرار دارد.^۴



یک ماشین از مقابل خانه‌های پر زرق و برق منطقه ی ویکتوریا، گران‌ترین بخش هنگ کنگ، عبور می کند.



لی-تات-فونگ، ۶۳ ساله، در راهرو قدم می زند در حالی که نوه‌هایش، آمی (۹ ساله) و استیون (۱۳ ساله) در اتاق ۴/۵ متری شان نشسته اند؛ هنگ کنگ، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۳.

آقای لی نیز مانند بسیاری دیگر از مردم فقیر هنگ کنگ، برای مسکن دولتی تقاضا داده است اما باید سال‌ها منتظر بماند. مرکز تحقیقاتی آکسفام هنگ کنگ، ۵۰۰ خانواده ی کم‌درآمد را مورد ارزیابی قرار داده و بر طبق این تحقیق سه-چهارم از آن‌ها می‌بایست ۴ سال منتظر دریافت خانه بمانند.^۵

^۴ عمده ی مطالب اخیر مربوط است به عکس‌ها و توضیحات Kai Löffelbein. رجوع کنید به:

(<http://photophilanthropy.org/gallery-posts/hidden-hong-kong-housing-situation-in-hk>)

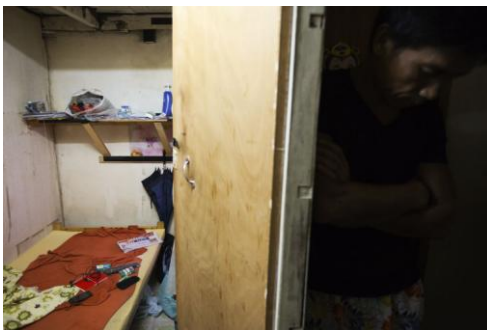


لی-رونگ، زنی ۳۷ ساله، که در اتاق ۳/۲ متری خود که در فلت بخش‌بندی شده اش قرار دارد، بر روی تختواب نشسته است. فلت او در یک ساختمان صنعتی در هنگ کنگ قرار دارد؛ ۱ نوامبر ۲۰۱۲.

لی در یک فضای تنگ در طبقه ی پنجم یک ساختمان صنعتی قدیمی با یک اتاق ۳/۲ متری با یک تختواب تاشو و یک تلویزیون کوچک، در واقع در جایی قرار دارد که هر متر مربع از زمین، یکی از گران‌ترین قیمت‌ها در سراسر جهان را دارد.



یک نمای کلی از فلت‌های مسکونی قدیمی که خود این فلت‌ها هم بخش‌بندی شده هستند. شام-شوئی-پو؛ هنگ کنگ، ۴ فوریه ۲۰۱۳.



مردی ایستاده در کنار یک فلت بخش‌بندی شده که در یک ساختمان صنعتی قدیمی قرار دارد؛ هنگ کنگ، ۱ نوامبر ۲۰۱۲.

در اکتبر ۲۰۱۲، رهبر هنگ کنگ، لیونگ-چونگ-یین، ظهور مجدد خانه‌های قفسی و آپارتمان‌های اتاقکی را به عنوان مسائلی در نظر گرفت که شدت فقر در یکی از درخشان‌ترین مراکز مالی آسیا را آشکار می‌کند. بر طبق [اعلام] شورای خدمات اجتماعی هنگ کنگ، در سال ۲۰۱۱، بیش از ۱.۱ میلیون نفر، معادل ۱۷ درصد جمعیت هنگ کنگ، در زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند.^۶

5) http://photoblog.nbcnews.com/_news/2013/02/07/16884875-living-in-a-cage-and-paying-rent-too-the-dark-side-of-hong-kongs-property-boom#comments

(۶) در مورد تصاویر و توضیحات اخیر، رجوع کنید به:

<http://news.yahoo.com/lightbox/cage-homes-highlight-hong-kong-s-poverty-slideshow/single-mother-plays-her-daughter-bedroom-80-square-photo-213413385.html>

انجمن سازمان‌دهی اجتماعی:

سازمان مردم‌نهادی به نام «انجمن سازمان‌دهی اجتماعی»^۷، محرومینی که وضعیت مسکن دردآوری دارند را در راه رسیدن به عدالت و حقوق انسانی شان پشتیبانی می‌کند. آن چه در ادامه می‌آید، توصیف شرایط از زبان این سازمان است که به ارزیابی شرایط پرداخته و راه‌حلهایی نیز ارائه می‌کند:

«خانه‌ها و محل‌های زندگی، معمولاً اندازه‌شان کم‌تر از ۹.۵ متر مربع است، اما قفس‌ها عموماً کم‌تر از ۲ متر مربع هستند. ساکنان این محل‌ها عبارتند از طبقات فقیر کارگر، بی‌کارها، مهاجران جدید، افرادی که از بیماری‌های روانی رنج می‌کشند، خلافکاران و سابقه‌دارها، حاشیه‌نشین‌ها، شهروندان درجه دو و بقیه‌ی گروه‌هایی که اجتماع آن‌ها را طرد و فراموش کرده است. ساکنان این محل‌ها با مشکلات متعددی در زمینه‌ی مسکن مواجه هستند؛ از قبیل: تهویه‌ی ضعیف و بد، کمبود فضا و جا برای زندگی، روابط اضطراب‌آور و تنش‌زا با همسایه‌هایشان. و البته، بر خلاف کیفیت پایین وسایل و محیط زندگی، آن‌ها اجاره‌های غیرقابل‌تحمیلی را هم می‌پردازند.

طی سی سال گذشته، "انجمن سازمان‌دهی اجتماعی" (سو-کو) در کنار ا فشار و گروه‌های پایین جامعه که از حاکمیت موجود در رنج و ناراضی هستند، فعالیت می‌کند تا با یکدیگر برای رسیدن به استانداردهای منطقی زندگی مبارزه کنند. این انجمن به نحو مستقل، از محلات فقیر بازدید می‌کند و به نحو خستگی‌ناپذیری ضمن تلاش برای تأمین نیازهای شان، آن‌ها را توانمند می‌کند تا برای تخصیص مسکن عمومی [دولتی] به خودشان و [دریافت] مراقبت‌های معیشتی مبارزه کنند. این انجمن، هر ساله، ۱۰۰۰ نفر از فقیرانی که در قفس‌ها زندگی می‌کنند را تحت حمایت می‌گیرد تا آن‌ها از تخصیص مسکن عمومی بهره‌مند شوند و هم‌چنین مسکن، اشتغال و خدمات مشاوره‌ی مالی برای این گروه‌های محروم فراهم می‌کند.

با وجود تلاش‌های موفق این انجمن در چانه زنی و متقاعد کردن مسئولان و تغییر تعدادی از قوانین، اما هنوز هم کمبود مسکن یکی از برجسته‌ترین مشکلات هنگ کنگ است.

در زیر شرح‌حال چند نفر از کسانی که در محرومیت به سر می‌برند، به عنوان نمونه نقل شده است. این توصیفات به ما کمک می‌کنند تا درک کنیم زندگی برای آن بخش از ساکنان هنگ کنگ که در اتاقک‌ها و قفس‌ها زندگی می‌کنند، چگونه است:

آقا و خانم وو (Wu)، در شام-شوئی-پو، یکی از بخش‌های قدیمی منطقه‌ی Kowloon، در یک اتاقک زندگی می‌کنند؛ آپارتمانی به مساحت ۴ و نیم متر مربع؛ آن چنان کوچک که در درون آن به سختی می‌توانی بچرخ‌ی و رویت را برگردانی. در این اتاقک، هیچ وسیله‌ی دیگری به جز رختخواب وجود ندارد و البته که هیچ وسیله‌ی برقی‌ای هم موجود نیست. این اتاقک فسقلی، به طرز شدیدی در تابستان‌ها گرم و داغ است. آقای وو می‌گوید: "تنها یک پنجره در این‌جا وجود دارد، اما من جرئت نمی‌کنم آن را باز کنم، به خاطر این‌که بیرون پر از آشغال است. در حال حاضر، دما همیشه بالای ۳۰ درجه است. هر شب من مجبورم برای خوابیدن بروم روی پشت بام. داخل، خیلی بیش‌تر از این‌ها گرمه که بشه خوابید."

وینگ (Wing) که شانزده ساله است، در اتاقک کناری، همراه با والدین و خواهر جوان‌تر خود زندگی می‌کند. آن‌ها بابت این اتاقک، ماهانه ۱۹۳ دلار [=حدود ۶۰۰ هزار تومان] می‌پردازند؛ در حالی که در آمد ماهانه‌ی خانوادگی‌شان ۵۱۴ دلار است. وینگ می‌گوید: "بعد از مدرسه، ما دو تا صندلی می‌گذاریم روی پشت بام این‌جا و تکالیف‌مان را انجام می‌دهیم. ما توی خونه مون می‌نداریم. به همین خاطر از صندلی‌ها به عنوان میز استفاده می‌کنیم. من و خواهرم و مامانم، سر شب‌ها روی پشت بوم می‌مونیم و غذا می‌خوریم و حرف می‌زنیم. بعضی وقت‌ها همون بالا بازی می‌کنیم. بعدش برمی‌گردیم به اتاقک، بعد از ساعت ۱۱، تا بخوابیم. آره، درسته که پشت بوم پر از آشغاله، اما تا وقتی نگاه نکنی به آشغال‌ها، مشکلی نیست."

زندگی کردن روی پشت بام، برای همه مشکل‌آفرین است. گو-یپ-سوم، که هشت ساله است، همراه با خانواده اش، در یک اتاقک ۳/۹ متری زندگی می‌کند. این‌جا نیز دمای هوا خیلی بالا می‌رود و پدر و مادر یپ-سوم هم نمی‌توانند کولر را روشن بگذارند، زیرا این کار باعث می‌شود یپ-سوم از وضع خانه ناراضی باشد؛ [به دلیل سر و صدای کولر که در درس خواندن یپ-سوم اختلال ایجاد می‌کند].

خوشبختانه یک فعال اجتماعی به یپ-سوم کمک کرده است تا در مدرسه به کلاس‌های تقویتی (آموزشی) رایگان برود. با این حال، در درون خانه، وضعیت زندگی بسیار دور از سلامتی است: "توالت، سقف، ... همه جا پر از سوسک‌ها و موش‌هاست. بعضی وقت‌ها هم سوسک‌ها و موش‌های مرده!" این کلمات را یپ-سوم با ترس و درماندگی بر زبان می‌آورد. وضعیت سلامت یپ-سوم خراب است و خیلی راحت مریض می‌شود؛ او

چندین روز مریض بود و تب داشت و در سال گذشته ذات الریه داشته است. چشمان او توسط برادر کوچک‌ترش، شب‌هنگام که هر دو در یک رختخواب باریک خواب بوده‌اند، زخمی شده است.

این خانواده سه سال است که برای خانه‌های اجاره‌ای عمومی (دولتی) انتظار می‌کشند و هنوز هم مشخص نیست که چه زمانی یک جایی برای آن‌ها پیدا خواهد شد.

چائو-کام-چوئن، ۵۴ ساله؛ رکود اقتصادی ای که به دنبال شیوع سارس^۸ در هنگ کنگ به وجود آمد، سبب شد تا کارفرماها ساعت کاری چائو که یک سرآشپز بود را کاهش داده و سپس در ادامه، او را علی‌رغم میلش اخراج (بازنشسته) کنند و حالا دیگر قادر نبود شغل دیگری بیابد. او دچار مشکلات و سختی‌های مالی شد و ناچار گشت که در محله‌های فقیرنشین، که [در آن ایام] در حال رشد بودند، ساکن شود.

"من قبلاً ۱۲۸۶ دلار در ماه درآمد داشتم و ۲۵۷ دلار از اون رو می‌دادم برای اجاره. بی‌کار شدم و تمام پس‌اندازهایم را هم مصرف کردم. وقتی صاحب‌خانه اجاره را بالا برد، من به یک اتاقک، با اجاره‌ی ۱۹۳ دلار در ماه، اومدم. بعدش، صاحب‌خانه‌ی آن‌جا هم اجاره را بالا برد. از سپتامبر ۲۰۰۷، من دارم ۱۱۶ دلار در ماه می‌دهم برای یک جا-خوابِ قفسی غیرقانونی که ۹/۱ متر هست."

طی دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، که عصر طلایی خواننده می‌شود، چائو از پیش‌خدمتی [رستوران] به سرکارگری پیش‌خدمت‌ها و سپس به سرآشپزی ارتقا پیدا نمود، اما اکنون وابسته است به حمایت‌های "[بنیاد] همیاری برای امنیت اجتماعی فراگیر"^۹.

چائو ۲۰ سال است که در شام-شوئی-پو زندگی می‌کند، اما این اولین باری است که ناچار شده است در یک فضای بسته‌ی ۷۴ متری همراه با ۴۰ نفر دیگر مشترکاً زندگی کند، هوای آلوده و بوی ناگرفته تنفس کند و ساعت‌ها در صف بایستد تا بتواند از دست‌شویی استفاده نماید.

در ابتدا وقتی چائو به این‌جا نقل مکان می‌کند، دوره‌ای از افسردگی داشته است، تا این که انجمن سازمان‌دهی اجتماعی به سراغ او می‌آید. "اوایلی که اومده بودم این‌جا، فعالان اجتماعی اومدند و سرزدند. اولش به اون‌ها اعتماد نداشتم، فکر نمی‌کردم بتونند به من کمک کنند و خودم هم [بتونم] به خودم کمک کنم." بعد از چندین ملاقات دیگر با چائو، او احساس صمیمیت کرد و [حالا] با کسان دیگری که تجربیات و گذشته‌ی مشترکی داشته‌اند، دوست شده است.

فونگ-کام-هو، زنی ۴۳ ساله است و قبلاً پیش‌خدمت بوده و حالا بی‌کار شده است. او یک سوئیت ۹ متری دارد. در سال ۲۰۰۴، او دچار یک فروپاشی روانی شده و از آن به بعد، از مشکلات سلامت روان رنج می‌برد. او اکنون به کمک‌های عمومی متکی است و برای "اسکان مجدد ارفاکی" در یک منطقه‌ی اسکان دولتی اعلام نیاز کرده است. اکثر همسایه‌های کام-هو، تن‌فروش‌ها (روسی‌ها) و فروشندگان اجناس دسته دوم هستند. با این حال، [آمدن به] این‌جا در مقایسه با اتاقکی که او در دهه‌های قبلی در آن زندگی می‌کرده است، واقعاً یک پیشرفت بزرگ به حساب می‌آید! در جای قبلی، هفت یا هشت نفر زیر یک سقف زندگی می‌کرده‌اند و کام-هو تنها زن آن جمع بوده و همیشه با ترس زندگی می‌کرده است. او می‌گوید که وضع روانی اش وقتی که در آن‌جا ساکن بوده، خیلی بد بوده است و می‌گوید که وقتی تصمیم گرفته از آن‌جا خارج شود و با کمک‌های عمومی (دولتی) زندگی کند، انتخاب‌های چندانی پیش رو نداشته و فقط می‌توانسته در شام-شوئی-پو از یک اتاقک به اتاقکی دیگر نقل مکان کند، [زیرا] تمام اتاقک‌های این منطقه به یک اندازه کثیف و کهنه و درب و داغون هستند [و کام-هو نیز به دلیل هزینه‌های بالا، نمی‌تواند جایی غیر از این محله را برای زندگی انتخاب کند].

اکنون آرزوی کام-هو این است که از اسکان عمومی بهره‌مند شود تا بتواند مکانی برای خودش، یک حمام، یک آشپزخانه و یک محیط زندگی داشته باشد که به اندازه‌ی جای فعلی اش کثیف و منجرکننده نباشد و آرزو دارد تا شروعی تازه داشته باشد.

زندگی در محیطی معیوب و فاسد، فضای مساعدی است برای تأثیرات مخرب بر روی سلامت جسم و روان ساکنان آن؛ ساکنانی که قبل از این نیز در بسیاری زمینه‌ها خود دچار مشکل بوده‌اند. انجمن سازمان‌دهی اجتماعی از سال ۱۹۹۰، بر روی خانه‌های قفسی و اتاقک‌ها تحقیقاتی کرده است که نشان می‌دهند که بیماری‌های مزمن در میان ساکنان این گونه‌ها شیوع دارد. بر طبق آمارها [تنها] ۲۱ درصد از ساکنان اتاقک‌ها و ۳۱ درصد از ساکنان قفس‌ها از بیماری‌های مزمن رنج نمی‌برند. بیماری‌های تنفسی یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مزمن در میان آن‌ها است. در بسیاری از تحقیقاتی که انجمن در سال‌های مختلف انجام داده است، بیماری‌های تنفسی تقریباً همواره شایع‌ترین بیماری‌ها بوده‌اند. به طور مثال، ۲۲ درصد اتاقک‌نشین‌ها و ۲۲/۶ درصد ساکنان قفس‌ها که در سال ۲۰۰۹ مورد پژوهش قرار گرفته‌اند، از بیماری‌های تنفسی رنج می‌برند.

(۸) بیماری تنفسی به شدت واگیرداری که با تب مداوم، سردرد و بدن درد همراه است و سرفه‌های خشکی را به دنبال دارد. این بیماری کشنده، بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ در ویتنام و جنوب چین در میان جمعیت زیادی همه‌گیر شد و سبب مرگ عده‌ی زیادی گشت.

درک [چرایی] چنین میزان بالایی از بیماری دشوار نخواهد بود اگر به فضای زندگی بیش از حد شلوغ ساکنان این مناطق که زمینه ساز انتقال میکروب‌ها است، توجه کنیم. این میزان بالا هم‌چنین نتیجه‌ی تمرکز گروه‌های محروم و حاشیه‌ای در خانه‌های معیوب این‌جاست؛ [برای جامعه] این‌جا زباله دانی است ویژه‌ی گروه‌هایی مانند سابقه داران، معتادان و مردمی که از بیماری‌های روانی رنج می‌برند.

در سال ۱۹۹۷، این گروه‌ها ۳۱ درصد از ساکنان خانه‌های تنگ را تشکیل می‌دادند و در سال ۲۰۰۹ این رقم به ۱۴/۵ درصد رسید. این امر تا اندازه‌ای، نتیجه‌ی بهبود سیاست‌های مسکن است که با تلاش‌های موفقیت‌آمیز انجمن سازمان‌دهی اجتماعی در زمینه‌ی اثرگذاری بر تصویب قوانین حاصل شده است.

اما با وجود کاهش درصد ساکنانی که بیماری‌های جدی روانی دارند (از ۸/۹ در ۱۹۹۷ به ۵/۲ درصد در ۲۰۰۹)، باز هم تعداد بیماران روانی این منطقه نسبت به جمعیت آن، به نحو مهم و هشداردهنده‌ای بالاتر است از تعداد بیماران روانی شهر نسبت به جمعیت کل شهر. ...درک شیوع بیماری‌های روانی نیز چندان دشوار نیست اگر که نگاه کنیم به فضاهای کوچکی که این افراد در آن زندگی می‌کنند و به روابط پراضطراب و تشویش آن‌ها با همسایه‌های خود که با آن‌ها مشترکاً در این فضای کوچک هستند.

متأسفانه دولت هنگ کنگ به مسئله‌ی مسکن از چشم‌انداز سلامت نگاه نمی‌کند.^{۱۰} دولت متعهد شده بود تا متقاضیان مسکن دولتی را ظرف سه سال اسکان دهد، اما اکنون بسیاری از متقاضیان باید بسیار بیش‌تر از این‌ها منتظر بمانند؛ به سبب سیاست‌های تبعیض‌آمیز مسکن، به علاوه‌ی کمبود منابع. تقاضا برای مسکن عمومی در سال ۲۰۰۶، ۱۰۰ هزار مورد و در سال ۲۰۱۱، ۱۵۰ هزار مورد بوده است. با وجود این، دولت تعهد داده که تنها ۱۵ هزار واحد مسکن دولتی در سال‌های آینده خواهد ساخت. در نتیجه، سلامت ساکنان مناطق محروم، توسط این سیاست مسکن نادیده گرفته می‌شود، زیرا آن‌ها برای زندگی کردن ناچار خواهند بود که مدت طولانی‌تری در محیط‌های فقیر زندگی کنند در حالی که با درماندگی منتظر مسکن دولتی هستند.

از نظر انجمن سازمان‌دهی اجتماعی، برای ارتقا وضعیت سلامت ساکنان این خانه‌های فاسد، دولت هنگ کنگ باید با تشکیل کمیسیون مطالعات جامع درباره‌ی سلامتی و اسکان، سعی نماید تا عمق و گستره‌ی مشکلات را بفهمد و بشناسد. سپس این مطالعه باید بازبینی قوانین فعلی مسکن را در پی داشته و تغییراتی چند را مد نظر قرار دهد: کوتاه کردن زمان تأمین مسکن‌های عمومی؛ (در ایامی که محرومین منتظر خانه‌های عمومی هستند) پایین آوردن تعداد افرادی که در خانه‌های معیوب هستند به این منظور که ساکنین بتوانند در محیطی سالم‌تر زندگی کنند؛ تقویت مراقبت‌های بهداشتی اولیه و تقویت خدمات توان‌بخشی و به طور خاص برداشتن گام‌هایی با تمرکز بر گروه‌های اجتماعی محروم.

شواهد ربط دهنده‌ی مسکن فقیرانه با سلامتی، اظهر من الشمس است، با این حال در هنگ کنگ کسی توجه چندانی به این مسئله ندارد.^{۱۱}

این همه، وظایفی است که خدا بر عهده‌ی شما گذاشته است...

هنگ کنگ، در جنوب چین قرار دارد. این کشور تا سال ۱۹۹۷ جزئی از مستعمرات انگلستان بود و از آن به بعد به عنوان یک منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی با مدیریت نیمه مستقل، وارد پیمان‌های با کشور چین شد. هنگ کنگ را کشوری آسیایی می‌دانند که توانسته است با اقتصاد و جامعه‌ای بر پایه‌ی بازار آزاد، به رشد و توسعه دست یابد. امروزه، بسیاری از کشورهای جهان سوم، هنگ کنگ را یک الگوی موفق به حساب آورده و سعی در پیروی از آن دارند.

سوال این‌جاست که توجه و تلاش برای مسائل، رنج و درد مردمی که شرایطی این‌چنین دارند، در کجا جای دارد؟

برنامه‌ی عمران سازمان ملل (UNDP) چنین گزارش می‌دهد که میزان دارایی ۲۰۰ نفر از پولدارترین افراد دنیا بیش از درآمد کل ۴۱ درصد جمعیت دنیاست. (شهرهای پایدار؛ سد ریک پاک؛ انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری؛ فصل پنجم)

چنین مسائلی، جایی در اندیشه‌های اقتصادی رایج ندارند. در مدل اقتصاد بازار، گفته می‌شود که جامعه از طریق رقابت آزاد هماهنگ می‌شود و فعالیت یک فرد خاص که به طمع کسب سود صورت می‌گیرد (یعنی کار و فعالیت در بازار در طلب ثروت شخصی)، سبب افزایش کلی ثروت در سطح جامعه خواهد گردد. در الگوهایی از توسعه که بر طبق مدل اقتصاد بازار آزاد عمل می‌کنند، کلید اصلاح اقتصادی این است که چندین سال در سختی سپری شود تا زحمات به بار بنشینند و رنج کشیدن برخی اقشار اجتماعی پیامد اجتناب‌ناپذیر اصلاحات است.^{۱۲} به نظر بعضی

(۱۰) البته به نظر می‌رسد که این دولت، نه فقط از چشم‌انداز سلامت، بلکه از هیچ چشم‌انداز انسانی دیگری نیز نگاه نمی‌کند.

(۱۱) برگرفته شده از "<http://lsecities.net/media/objects/articles/hong-kong>" با اندک تصرف و تلخیص.

(۱۲) نظریه‌های توسعه؛ ریچارد پیت و الین هارتویک؛ ترجمه‌ی از کیا و سایرین؛ نشر لویه؛ ص ۸۴.

از تحلیل‌گران این حالت [وضعیت بد محرومین] عارضه ای گریزناپذیر در روند رشد است؛ مثل دردهای رشد یک بچه. حتی بعضی‌ها ادعا می‌کنند که این وضعیت مطلوب است، چون نابرابری موجب می‌شود برندگان مازاد کافی برای سرمایه‌گذاری به دست آورند و اگر پول‌های موجود بین همه به صورت مساوی‌تر سرشکن شود، بیش‌تر آن خرج مایحتاج خواهد شد و برای سرمایه‌گذاری چیزی نخواهد ماند. اما این نظریه از لحاظ اخلاقی و عینی غیرقابل دفاع است. گفتن این که نابرابری و عوارض همراه آن برای رشد ضروری است مثل آن است که بگوییم بی‌عدالتی اجتماعی وسیله‌ی موجهی برای ازدیاد ثروت مادی است. با این گونه کارها ارزش‌های انسانی واژگونه می‌شود... رشد و توسعه‌ی ای که فقط برای اقلیت ثروتمند مفید باشد و نابرابری‌های داخلی و بین کشورها را تداوم بخشد یا افزایش دهد، توسعه نیست، استثمار است. البته به نظر می‌رسد که این، خود رشد نیست که در اکثر کشورهای جهان سوم نابرابری‌ها را دامن زده است بلکه پیروی از الگوهای خاصی از رشد موجب آن است... در الگوهای رایج توسعه، سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً به نفع بخش شهری و به سود کسانی که از قبل بهره‌مند بوده‌اند، خرج می‌شوند نه برای بی‌بهرگان. به بهای از دست دادن توسعه‌ی اخلاقی، رشد اقتصادی و تکثیر کمی ثروت مادی، پیگیری شده است.

البته دلیل نمی‌شود که حداقل در جهان سوم نیازی به رشد نیست. اگر قرار است فقر ریشه کن شود، رشد اقتصادی متعادل تر و عادلانه‌تر برای رسیدن به عدالت اجتماعی، حیاتی است.

امروزه، بشر به دیگر کرات راه می‌جوید اما یک سوم از آدمیان از داشتن زندگی‌ای در شأن انسان عاجز هستند. در واقع ناتوان از زندگی انسانی کامل‌اند. اینان مردمان فراموش شده‌اند؛ غذای کمی دارند، شغل درست و حسابی ندارند، بی‌سواد و بی‌خانه‌اند و ناتندرست. اینان تنگدستان‌اند، کسانی که توسعه باید بر آن‌ها تمرکز بیابد اما جریان توسعه‌ی نابرابر یا از کنارشان رد شده است و یا از روی آن‌ها گذشته و ایشان را زیر خود له کرده است.^{۱۳}

تبلیغ تور مسافرتی هنگ کنگ در شبکه‌ی NBC:

در بهشت خرید غرق شوید!

تور یک روزه‌ی خرید در هنگ کنگ، می‌تواند مسافران را از پر زرق و برق‌ترین پاساژهای دنیا به فروشگاه‌های لوئیس ویتون، ساعت‌های مائو-زدونگ و به آب‌های خیره‌کننده‌ی دریای جنوب چین بکشاند!

یک مکان خوب برای شروع نشاط و گشت و گذار خرید، پاسیفیک پلیس است؛ یک پاساژ شیک منطقه‌ی مرکزی تجارت در جزیره‌ی هنگ کنگ. فقط یک نگاه به دفترچه‌ی راهنمای این مرکز خرید شما را به حیرت خواهد انداخت! پراد، هرمس، چانل، دولسه‌اند گابانا، ورساچه و بسیاری دیگر از مارک‌ها و برندها در این جا هستند!...

بعد از چند ساعت خرید با کیفیت، خریدکنندگان می‌توانند از طریق پل هوایی به سمت ایستگاه اتوبوس بروند تا با یک اتوبوس دو طبقه، آرام آرام به استلی مارکت در جنوب هنگ کنگ برسند. در طبقه‌ی بالایی اتوبوس بنشینید تا بهترین منظره‌ها را رؤیت کنید. [...]

بعد از غرق شدن در برندهای لوکس موجود در هاربر سیتی، خریدکنندگان می‌توانند متروی هنگ کنگ را سوار شوند و به شمال بروند: محله‌ی کولون در مونگ کوک. شلوغی‌های زیادی از میان لامپ‌های درخشان نئون... هجوم می‌آورند اما جنگیدن با این شلوغی‌ها ارزش اش را دارد؛ این جا بازار مُد خانم‌هاست - یکی از بهترین مراکز مُد هنگ کنگ!...

(http://www.nbcnews.com/id/10713090/ns/travel-destination_travel/t/get-lost-shopping-heaven/)

به لحاظ باورهای اجتماعی نیز، ما دوره‌ای را پشت سر می‌گذاریم که صدمه زدن به دیگران برای رسیدن به اغراض شخصی به ندرت مورد بازخواست و قضاوت قرار می‌گیرد و در واقع به نقطه‌ای رسیده‌ایم که رویه‌ی منظم و خط‌مشی خاصی برای محدود کردن تمایلات فردی تعیین نشده است. [...] دورانی است که اکثریت فقیر و ناسالمی در محدوده‌های شهری زندگی می‌کنند و تعداد آن‌ها روز به روز بیش‌تر می‌شود در حالی که هیچ‌گونه اختیاری برای زندگی، برخورداری از امکانات و حتی مرگ خود ندارند.

یک اعتقاد عمومی وجود دارد مبنی بر این که شهرنشینی و توسعه شهری در درازمدت امکانات همه‌ی مردم را بهبود خواهد بخشید. [...] اما شواهد نشان می‌دهد که این یک تصور غلط و سفسطه‌آمیز است که بگوییم فرایند توسعه‌ی شهری در این دنیای در حال توسعه، در درازمدت می‌تواند ثروت و بهداشت را برای اکثریت جامعه به ارمغان بیاورد. همان‌طور که بعضی کارشناسان اعلام کرده‌اند، تغییرات اقتصاد کلان باعث می‌شود جمعیت زیادی به شهرها منتقل شود اما نمی‌تواند یک زندگی سالم و بهداشتی را برای این خیل جمعیت تأمین کند. پایتخت‌ها و شهرهای

مهم را باید با تفاوت‌ها و تبعیض‌های درون آن‌ها نگریست؛ تفاوت در میزان دسترسی افراد، خانواده‌ها و جوامع به خدمات، منابع، فرصت‌ها و مهم‌تر از همه تفاوت در کیفیت زندگی.

به طور مثال [در زمینه ی سلامت]، محرومان جامعه از هر دو مشکل ناشی از توسعه نیافتگی (بیماری‌های عفونی ناشی از فقدان نیازهای اساسی) و توسعه یافتگی (بیماری‌های مزمن و شدید ناشی از توسعه صنعتی از جمله افزایش وسایل نقلیه و آلودگی هوا) رنج می‌برند.

آن "تفکر جهانی" ای که می‌گوید رقابت و مکانیسم‌های افزایش آن، تنها راه دستیابی به رفاه برای تمام بشر است، قربانیان زیادی نیز به همراه دارد. ایراد این تفکر به ویژه وقتی مشخص می‌شود که ما می‌بینیم تنها اقشار فقیر جامعه هستند که با هم رقابت می‌کنند، آن هم برای رسیدن به شغل‌هایی که چیزی از فقر آن‌ها نمی‌کاهد؛ در محیط‌هایی کار می‌کنند که ناامن و آلوده است و درآمدی کسب می‌کنند که ناچیز و ناکافی است. تمام این‌ها برای این است که ثروتمندانی که در جوار قشر محروم زندگی می‌کنند سود بیش‌تری ببرند. اقشار محرومی که در شهرها زندگی می‌کنند، شاهد رفاه ثروتمندان هستند در حالی که خود به سختی روزگار گذرانده و تنها به زنده ماندن بسنده کرده اند.

باید تغییرات اساسی در نحوه ی تفکر در سطح بین المللی ایجاد شود. بخشی از این تغییر مرتبط است با اطلاعات و آگاهی. اطلاعات و آگاهی باعث می‌شوند که مشکل نابرابری در معرض دید قرار گیرد و این، خود گامی است به سوی تغییر در فرایندهای ناعادلانه. در گوشه و کنار جهان، تلاش‌های زیادی صورت می‌گیرد تا رنج‌ها و محرومیت‌ها عیان گشته و به عرصه ی آگاهی و تدبیر کشانیده شود. برای مثال در ۱۹۹۴ به دنبال مطالعه ای که درباره ی بی‌عدالتی‌های بهداشتی در سائوپائولو انجام شد، یک شورای محلی زنان، با هدف آگاه کردن عموم مردم از نابرابری‌ها به صورت روزمره، به این نتیجه رسید: «برای ساختن یک جامعه ی عادلانه، دسترسی به داده ها و اطلاعات امری ضروری است... ما می‌خواهیم لایحه ای ارائه کنیم که بر اساس آن نهادهای اداره کننده شهری موظف باشند تا داده‌های خود را به طور عمومی اعلام نمایند؛ داده هایی که به کیفیت زندگی مردم به طور کلی مربوط می‌شود.»

حال به فرض که این اطلاعات شفاف و کافی باشد؛ چه کسی در این رابطه وارد عمل خواهد شد؟

گسترش عدالت از طریق مشارکت در فرایندها می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای تلاش برای تغییر باشد. افزایش مشارکت محلی معمولاً باعث گسترش عدالت و شکل‌گیری فرایندهای بسیار مؤثر می‌شود. در این میانه، افرادی که دارای تحصیلات و نفوذ اجتماعی هستند، می‌توانند مؤثرتر عمل کنند؛ البته در صورتی که تلاش در این زمینه را رسالت خود دانسته و با بی‌تفاوتی از کنار مسائل عبور نکنند.

ما در جایگاهی قرار داریم همانند

هفتاد سال پیش... شما مردم با این همه

تحصیلات چه می‌کنید؟ آیا آموخته-

های خود را تنها برای کسب منفعت به

کار می‌برید؟

گامانتر الدرز ۱۹۹۹

در حال حاضر شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت افراد و اقشار محروم جامعه و نیز انجمن‌های مختلف در تدوین خط‌مشی‌های شهری، بسیار موفق بوده و در بهبود شرایط تاثیر زیادی داشته است.

افزایش مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در شهرها تنها به معنی توانمندسازی محرومین برای دفاع از حقوق فیزیکی و مادی خود نیست، بلکه به معنی تفویض آگاهانه و اختیاری مسئولیت تصمیم‌گیری به کسانی است که برای این کار مناسب شناخته شده اند. در واقع امور تصمیم‌گیری باید توسط کسانی انجام گیرد که تحت فشار مشکلات مختلف هستند.

باید در یک ائتلاف همگانی تلاش کنیم برابری و پایداری را در شهرها نهادینه کنیم. ما باید

امیدوار بوده و مطمئن باشیم که نظریه پردازان اقتصاد کلان که بی‌عدالتی را امری محتوم و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، در اشتباه به سر می‌برند.^{۱۴}